

چرا تحریم اقتصادی علیه کوبا به اجرا درآمد؟

امروز کمتر کسی به خاطر دارد که تحریم اقتصادی ایالات متحده آمریکا علیه کوبا زمانی به اجرا درآمد، که کوبا هنوز از انتخاب راه رشد سوسیالیستی فاصله داشت.

قطعنامه مهم همبستگی با مبارزات مردم ایران

کنفرانس سالیانه حزب کارگر در بریتانیا، با شرکت منتخبین واحدهای حزبی، به نمایندگی از سوی بیش از ۳۰۰/۰۰۰ عضو حزب، رهبران اتحادیه های کارگری و صدها مهمان خارجی در تاریخ ۳ اکتبر در شهر ساحلی بلکپول افتتاح گردید. این نخستین کنفرانس سالیانه حزب، پس از درگذشت جان اسمیت، رهبر فقید حزب و انتخاب یک رهبری جدید در تابستان امسال بود. در میان قطعنامه های ارائه شده به کنفرانس، ۹ قطعنامه و ۱۵ اصلاحیه پیرامون اوضاع ایران، از سوی طرفداران "شورای ملی مقاومت" به کنفرانس ارائه شده بود. محتوی اساسی این قطعنامه ها، ملزم کردن حزب کارگر و نمایندگان پارلمانی آن در اروپا (حزب کارگر بزرگترین بلوک پارلمانی در پارلمان اروپا است) به حمایت از "شورای ملی مقاومت" بود. با اعتراض سازمان های مترقی و همبستگی ایران از جمله حزب توده ایران و اتحادیه های کارگری بریتانیا و ملاقات هایی که با رهبری حزب کارگر انجام گرفت، رهبری این حزب علی رغم فشار "هیئت نمایندگی شورای ملی مقاومت" شرکت کننده در کنفرانس تصمیم گرفت تا در قطعنامه

ادامه در ص ۲

درد آتشین به ستارگان جاویدان مبارزات رهایی بخش مردم ایران

به مناسبت چهارمین

سالگرد قهرپاران نخستین

گروه از

افسران توده ای ص ۳

بر لایحه مصوب کنگره آمریکا در این مورد، تاریخ ۶ فوریه ۱۹۶۲ نقش بسته است. این سند، واکنش مستقیم آمریکا علیه تصمیم حکومت کوبا بود که صنایع شکر، پالایشگاه ها و شرکت های مخابرات را که تا آن زمان در تملک سرمایه خصوصی و قبل از همه در دست سرمایه داران ثروتمند آمریکایی بودند، به مالکیت دولتی درآورد. در این لایحه از «خطری، که کوبا با توجه به تهاجم نابود کننده کمونیسم روسی - چینی برای امنیت ملی و قاره ای در بر دارد»، صحبت شده است. بدینوسیله ورود تمامی کالاهای کوبایی به آمریکا، چه مستقیم و چه از طریق یک

ادامه در ص ۸



شماره ۴۳۹، دوره هشتم
سال یازدهم، ۲ آبان ۱۳۷۳

اعلام جرم آیت الله منتظری علیه رژیم جمهوری اسلامی جمهوری اسلامی حکومت : "اختناق"، "سانسور"، "تجاوز" و "زورگویی"

به ظلم و جور سران حکومت جمهوری اسلامی گشوده است. آیت الله منتظری تنها عضو رهبری جمهوری اسلامی بود که حاضر نشد در مقابل فشار خمینی تسلیم شود و بر قتل عام زندانیان سیاسی که به دستور او سازماندهی شده بود، مهر تایید گذارد. بیانیه اخیر آیت الله منتظری در واقع سند معتبری است در اعلام جرم علیه حکومتی که به آرمان های مردم و انقلاب شکوهمند ایران خیانت کرده است و حاکمیت ترور و اختناق را بر کشور ما تحمیل نموده است. آیت الله منتظری ضمن محکوم کردن حق ویژه برای روحانیت و اعلام این مسئله که همه در برابر قانون یکسان هستند تشکیل دادگاههای ویژه روحانیت به دستور خامنه ای را مغایر قانون دانسته و "ولی فقیه" را به شکستن قانون اساسی

ادامه در ص ۲

بر اساس گزارش هایی که از ایران می رسد، آیت الله منتظری با انتشار بیانیه ای طولانی، اعتراض شدید خود را علیه رژیم ستمکار و ضد انسانی جمهوری اسلامی اعلام کرده است و سکوت در مقابل ظلم و بیعدالتی را "خیانت به آرمان های انقلاب" و "ملت ایران" دانسته است. در پی یورش وحشیانه گزمنگان رژیم در سالگرد انقلاب (۲۳ بهمن ۱۳۷۱)، و تخریب دفتر آیت الله منتظری، سران جمهوری اسلامی کارزار گسترده ای را برای بدنام کردن و به انزوا کشاندن آیت الله منتظری که یکی از مبارزترین چهره های جنبش اسلامی است و سال های طولانی در زندان های ستمشاهی در شرایط شکنجه و آزار بسر برده است، آغاز کردند. این نخستین باری نیست که آیت الله منتظری، بدون در نظر گرفتن خطرات احتمالی زبان به اعتراض

اعتراض کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران به دبیرخانه فدراسیون جهانی سندیکاها

«در صورت شرکت جمهوری اسلامی ما در سیزدهمین

کنگره شرکت نخواهیم کرد!»

ص ۶

زنده باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم «ولایت فقیه»!

اعلام جرم آیت الله منتظری ...

جمهوری اسلامی متهم می کند و می نویسد: " اینجانب به عنوان رئیس مجلس خبرگان قانون اساسی که خونبهای شهدای عزیز انقلاب است... وظیفه دارم مطالبی را راجع به دادگاههای موسوم به ویژه روحانیت گوشزد نمایم... دادگاه ویژه... به بهانه های واهی در همه کارهای مهم مملکتی حتی در کار مرجعیت شیعه و مراجع تقلید دخالت ناروا می کند و هیچگونه مبنای قانونی نداشته و تشکیل آن برخلاف قانون اساسی است و به چند دلیل... این عمل مقام رهبری مخالف قانون اساسی تلقی می شود، اگر از روی عمد باشد جرم است و اگر از روی غفلت و اشتباه باشد باید از اشتباه خود برگردد... از طرف دیگر ما در ذیل اصل یکمصد و دوازدهم قانون اساسی راجع به رهبری می خوانیم: " رهبر یا اعضای شورای رهبری در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی هستند... رهبر نیز چنین حقی ندارد و باید مطابق اصل یکمصد و یازدهم قانون اساسی، مجلس خبرگان... به این عمل رهبری رسیدگی کند... مادامی که مقرارتی به تصویب مراکز قانونگذاری کشور نرسیده است ارزش قانونی و شرعی ندارد و اجرای آنها جرم محسوب می شود...". آیت الله منتظری در اعلامیه ضمن اشاره به عملکرد جنایتکارانه دادگاه های جمهوری اسلامی، می نویسد: "... نه احکام صادره به دیوانعالی کشور ارجاع می شود، بلکه خود فعال مایشا است و... شاهد عادل در بین نیست، بلکه با گزارش های سروپا شکسته و اقرار متهم در شرایط خاص زندان که در آن شرایط شرعاً و قانوناً اقرار و اعتراف بی ارزش و بی اعتبار است خودشان می برند و می دوزند و به هیچ مقامی قابل شکایت نیست...".

آیت الله منتظری در بخش دیگری از اعلامیه پرده از روی یورش وحشیانه گزمگان رژیم به دفتر خود (بهمن ۱۳۷۱) بر می دارد و این ادعا را که این یورش بدون اطلاع رهبری رژیم انجام گرفته است بی ارزش و بی پایه اعلام می کند: "بالاخره در شب شنبه با هجوم بیش از ۱۰۰۰ نفر نیروی مسلح و مجهز به وسایل تخریب به دفتر اینجانب و حسینیه شهدا و محل آرشبو نامه و تلگراف و روزنامه ها و بولتن های خبری چندین ساله مواجه شدیم و با ضبط مکالمات منطقه، حتی خانه های همسایگان و مجاورین بیگناه، قطع تلفن های منطقه و ایجاد رعب و هراس... در این میان بعضی از مقامات ضمن اظهار تائیر از حوادث انجام شده در بیت اینجانب اصرار داشتند که مسئولین بالا خبر نداشتند. در جواب آنان باید گفت حالا که خبر پیدا کرده اند چه عکس العمل مثبتی نشان داده اند؟ نه اموال غارت شده برگردانده شده و نه عاملین جنایت مجازات شدند، بلکه به جمعی از آنها پاداش و

قطعنامه مهم همبستگی با مبارزات مردم ایران

ویژه ای برخوردار است و پیروزی مهمی برای کارزار دموکراتیک همبستگی با مردم ایران است. بخش های مهم این قطعنامه که با اکثریت مطلق آرا به تصویب هزاران شرکت کننده کنفرانس رسید، به شرح زیر است:

کنفرانس، نام "شورای ملی مقاومت" و "مریم رجوی" را حذف کرده و از مبارزه تمامی نیروهای مترقی ایران در راه آزادی و دموکراسی دفاع کند. این قطعنامه از آنجائیکه رهبری جدید حزب کارگر را به شرکت فعال در مبارزه جهانی علیه سرکوب حقوق بشر، چه در سطح بریتانیا و چه در سطح اروپا ملزم می کند، از اهمیت

"کنفرانس با نگرانی"

۱- ادامه سرکوب حقوق بشر، خصوصاً حقوق زنان، کارگران و اقلیت های ملی و مذهبی و بالا گرفتن مجدد دستگیری ها، شکنجه و اعدام مخالفان را دنبال می کند (به نقل از گزارش کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد)؛

۲- فعالیت دولت ایران در زمینه ترور مخالفان خود در خارج از کشور و تلاش این دولت برای ترور سلمان رشدی را دنبال می کند. دولت ایران در پانزده سال گذشته مسئول بیش از ۱۰۰ حمله تروریستی می باشد که منجر به کشته و یا مجروح شدن بیش از ۳۰۰ نفر در ۱۸ کشور جهان شده است. نصف این حملات در دوران ریاست جمهوری پنجساله هاشمی رفسنجانی انجام گرفته است...

کنفرانس از

الف: مبارزه مردم ایران برای دموکراسی، آزادی و حقوق بشر حمایت می کند؛

ب: از کمیته اجرایی حزب کارگر می خواهد تا موضوع بررسی ادامه سرکوب حقوق بشر در ایران را در سازمان های بین المللی طرح کند... از دولت انگلستان می خواهد که همراه با سایر دولت های اروپایی جلوی این سیاست های دولت ایران را با ارجاع موضوع به شورای امنیت سازمان ملل سد کند.

پ: از رهبری حزب کارگر می خواهد که مسئله محکوم کردن رژیم ایران و حمایت از مبارزات مردم ایران را در پارلمان بریتانیا و پارلمان اروپا، از طریق نمایندگان حزب کارگر در این ارگان ها دنبال کند.

کنفرانس حزب کارگر در تاریخ ۹ اکتبر به کار خود پایان داد. از جمله موضوعات مهم کنفرانس تلاش رهبری جدید، برای تغییر اساسنامه حزب و حذف بند چهارم این اساسنامه بود که حزب کارگر را ملزم به دفاع از مالکیت عمومی بر وسایل تولید می کرد، که با رای اکثریت نمایندگان شرکت کننده با شکست روبرو گردید. در جریان انتخاب اعضا کمیته اجرایی جدید حزب، دوتن از نمایندگان جناح چپ توانستند، با کسب اکثریت آرا به عضویت رهبری حزب انتخاب شوند.

زیارت بیت الحرام نیز داده شد. انشالله حجشان مقبول خواهد بود...".

آیت الله منتظری در اعلامیه خود تذکر مهمی به همه نیروهای اسلامی و کسانی که مخالف این زورگویی ها و استبداد حاکم هستند می دهد و اعلام می کند: " سکوت در برابر ظلم و بیعدالتی نظام اسلامی را از پایه و اساس تهی می کند و مردم را از نظام دلسرد و در نتیجه مایه سرنگونی جمهوری اسلامی را فراهم می کند و این نوع سکوت و مسامحه کاری خیانت به آرمان انقلاب و اسلام و ملت ایران است... اینجانب اجمالاً واقعه را در این صفحات نوشتم تا اگر روزی نسیم آزادی وزیدن گرفت و جو اختناق شکسته شد و جراید کشور از بند سانسور آزاد شدند نگرارش اینجانب را برای آگاهی برادران و

خواهران مسلمان منتشر کنند".

حزب توده ایران ضمن استقبال و حمایت از این اقدام جسورانه آیت الله منتظری، باردیگر همه نیروهای آزادیخواه و مبارز کشور و از جمله نیروهای سیاسی مسلمانی را که به آزادی معتقدند و به آرمان های اصیل انقلاب مردمی میهن ما وفادار مانده اند را فرا می خواند تا دست در دست هم با مبارزه مشترک شرایط پایان حکومت استبداد و ترور و بیعدالتی و ظلم در میهن را فراهم آورند. نباید فراموش کرد که در این شرایط حساس و سرنوشته ساز تنها با مبارزه مشترک همه آزادیخواهان است که می توان زمستان سیاه استبداد را به بهار آزادی تبدیل کرد.

درد آتشین به ستارگان جاویدان مبارزات رهاییبخش مردم ایران

و ده مناسبت چهلمین سالگرد تیرباران نخستین گروه از افسران توده ای



"چشمان مرا نبندید! می خواهیم در دم مرگ لرزش دستان دشمن را ببینم."

سلح آن را از وجود چنین انسانهای والا، افسران رشیدی محروم کردند.

"آدم وقتی قرار است بمیرد، چرا خوب و با شکوه نمیرد؟ ... ما رفتیم شما زنده باشید و خوب زندگی کنید. اگر بهشتی در دنیا وجود داشته باشد، راه همان است که ما می خواستیم طی کنیم."

رفیق شهید سیامک

"من جز سعادت و خوشبختی ملت عزیز ایران هیچ سودا و آرزویی در سر نداشتم و در این راه کشته می شوم. این مرگ مرگ شرافتمندانه است..."

رفیق شهید مبشری

"ما به جرم حقیقت و پاکدامنی و بیگناه به قتل می رسانند... من در راه حقیقت شهید می شوم. حتی در آخرین مرحله زندگی هم مرا از دیدار تو و نورچشمانم محروم کردند. پاکدامنی و صداقت و خدمت بود که شما را تهی دست نمود. چنین است پادشاه هیئت حاکمه به درستی و راستی..."

رفیق شهید محمد علی واعظ قائمی

حتی آنگاه که در مقابل جوخه های اعدام قرارشان دادند این دژخیمان بودند که بر خود می لرزیدند. رفیق شهید هوشنگ وزیربان در لحظه اعدام، به جوخه مرگ فرمان داد:

"چشمان مرا نبندید! می خواهیم در دم مرگ لرزش دستان دشمن را ببینم."

رفیق شهید سرهنگ عزیزی از افسران برجسته سازمان نظامی حزب توده ایران بود. در لحظه تیرباران با سری افراشته و با غرور در حالیکه چشم به چشم دژخیمان دوخته بود، به حزب خود درود فرستاد و دژخیمان را تحقیر کرد.

چنین است راه و رسم توده ای بودن. به راه خلق رفتن و در راه خلق از جان گذشتن. یاد این قهرمانان بیباک، این بی مرگان، افسران دلاور توده ای زنده و جاوید باد و راهشان پر رهرو!

هر روز صبح گزارش کار اداره سررشته داری را به یک مامور بیگانه می دادم. بله درست است. اما بر خلاف تصور شما این مامور روسی نبود، او یک مستشار و جاسوس آمریکایی بود که من به دستور اربابان شما مجبور بودم هر روز گزارش کارها را به او بدهم... و رفیق شهید مرتضی کیوان درست قبل از اعدام به هم زنجیران خود در زندان، علل اصلی اعدام خود و یارانش را چنین توضیح داد: "در بیرون خبرهایی هست. لایحه نفت باید به تصویب برسد. این لایحه قربانی ها دارد. من هیچ از مرگ قریب الوقوع خود متأسف نیستم. زندگی ما در برابر آزادی و استقلال میهن عزیز ما هیچ ارزش ندارد..."

مقاومت و دلاوری این افسران در زندان زبازند همگان بود، حتی شکنجه گرانی که جنایتکارانه تلاش می کردند تا استواری آنان را درهم شکنند. در گزارش هایی که رفقا از زندان برای حزب می فرستادند، می نوشتند: کیوان در زندان مثل سنگ خارا ایستاد و حلاج وار همه شکنجه ها را تحمل کرد. هر جا دستش رسید، روی دیوار حمام معروف قزل قلعه، که شکنجه گاه زندان بود، روی لیوان مسی زندان و ته بشقاب های فلزی با ناخن و یا هر وسیله ای به دستش می افتاد، حک می کرد:

"درد و رنج تازیانه چند روزی بیش نیست راز دار خلق اگر باشی همیشه زنده ای"

آنگاه که دژخیمان در واپسین لحظات به سراغشان رفتند، افسران توده ای چه با شکوه و دلاوری، عهد خود را با آرمان های انسانی و والای حزبشان تجدید کردند و به استقبال ابدیتی پرشکوه و جاویدان در دفتر پر افتخار مبارزات رهاییبخش میهن مان شتافتند. آخرین سخنان پرشور این دلاوران و رهیویان توده ای بهترین سند شجاعت این دلاوران و بزدلی کسانی است که هراسناک از اندیشه های دورانسان این انسان های بزرگ، میهن ما و نیروهای

چهل سال پیش، در فضای اختناق آلود و مرگبار پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد، در سپه دم ۲۷ مهرماه ۱۳۳۳، ده دلاور توده ای، افسران برومند و میهن دوست سازمان نظامی حزب توده ایران، با سری افراشته، با فریادهای "مرگ بر شاه"، "زنده باد حزب توده ایران" و با دلی آکنده از شور زندگی و عشق آتشین به میهن و مردم، در برابر جوخه های جهنمی اعدام رژیم کودتا قرار گرفتند و سرود خوانان به کاروان انبوه شهدای راه آزادی پیوستند.

نام این ستارگان جاویدان مبارزات رهایی بخش مردم ایران چنین است:

- * رفیق شهید سرهنگ عزت الله سیامک
- * رفیق شهید سرهنگ محمد علی مبشری
- * رفیق شهید سرهنگ نعمت الله عزیزی نمین
- * رفیق شهید سرگرد هوشنگ وزیربان
- * رفیق شهید سرگرد نصرالله عطارد
- * رفیق شهید سروان نظام الدین مدنی
- * رفیق شهید سروان محمد علی واعظ قائمی
- * رفیق شهید سروان نورالله شفا
- * رفیق شهید ستوان یکم عباس افراخته، و
- * رفیق شهید شاعر و انقلابی بزرگ مرتضی کیوان

دژخیمان و شکنجه گران دستگاه جهنمی ساواک بسیار تلاش کردند تا اراده پولادین این دلاوران بی باک را درهم شکنند و آنان را به تسلیم شدن در برابر کودتا چیان وادارند. دفاع جانانه این قهرمانان در بیدادگاه های نظامی چنان رژیم شاه را رسوا کرد، که حکومت هراسناک از عاقبت کار، فوراً دستور اعدام این انسان های بزرگ و والا را صادر نمود. رفیق قهرمان ما سرهنگ سیامک در بیدادگاه نظامی در پاسخ به اتهامات دادستان مبنی بر جاسوسی برای بیگانگان، چنین گفت: "این را شما درست می گوئید آقای دادستان، من خیانتکارم. من

اعتراضات توده ای

✽ پیرانشهر

بنابه گزارش روزنامه "جمهوری اسلامی"، در نیمه اول مهرماه، هنگامی که ماموران انتظامی برای جلوگیری از شخم زدن زمین هایی که دادگاه رای اعاده آنها را به "صاحبان اصلی" صادر کرده بود، به املاک اطراف شهر پیرانشهر مراجعه کردند، کشاورزان با پیل و چاقو به ماموران انتظامی حمله ور شدند و آن ها را از زمین های خود که پس از انقلاب مصادره کرده بودند، بیرون راندند.

✽ تبریز

بنابه گزارش روزنامه "سلام"، بعد از ظهر سه شنبه ۵ مهرماه حدود ۵۰۰ نفر از "مقاضیان" که از سال ۶۹ جهت خرید واحدهای آپارتمانی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی آذربایجان شرقی ثبت نام کرده بودند، ضمن تجمع در مقابل ساختمان استانداری ... اعتراض خود را نسبت به اقدام بنیاد مسکن در افزایش قیمت آپارتمان ها ابراز داشتند.

معترضین تصریح کردند که بنیاد مذکور قیمت هر مترمربع واحدهای آپارتمانی را از ۱۳ هزار تومان به ۴۰ هزار تومان افزایش داده است و با توجه به اینکه "مقاضیان از قشر کارمند و کم درآمد می باشند" قادر به پرداخت مبلغ فوق نیستند.

روزنامه "سلام" در گزارش خود نوشت: "در این اجتماع اعتراض آمیز یک مادر ۴۵ ساله که با ریختن نفت بر روی خود و سه فرزند ۹، ۶ و ۱۲ ساله اش قصد خود سوزی داشت با دخالت دیگر معترضین و مامورین انتظامی نجات پیدا کرد ... فرد مذکور که بیوه و مادر سه فرزند می باشد هدف از این عمل را در اعتراض به افزایش قیمت اعلامی از سوی بنیاد مسکن ذکر کرد."

آلوده بودن آب آشامیدنی در کرمانشاه باعث مرگ دهها نفر شده است

بنابه گزارش روزنامه "سلام"، "طرح استیضاح وزیر نیرو، اخیرا به اعضای ۱۵ تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی رسیده است". این روزنامه نوشت که تعدادی از نمایندگان استان کرمانشاهان از جمله امضاکنندگان این طرح می باشند، و به نقل از محمدی فر، نماینده سنقرکلیایی، دلیل این اقدام نمایندگان استان مذکور را "وضعیت نابسامان آب آشامیدنی کرمانشاه" ذکر کرد. نامبرده به خبرنگار روزنامه "سلام" گفت: "در استان کرمانشاه آلوده بودن آب آشامیدنی تا کنون باعث مرگ دهها نفر شده است".

روزنامه مذکور در ادامه گزارش خود نوشت: "... یکی از طراحان اصلی استیضاح وزیر نیرو... نحوه فروش شرکت آهاب، اخذ وامی از بانک جهانی توسط وزارت نیرو که با شرایط سخت باری انجام شده، مسایل چند پروژه و ... را از جمله موارد استیضاح ذکر کرد. وی گفت: این شرکت (آهاب) بیش از ۲ میلیارد تومان ارزش داشته ولی به قیمت ۴۰۰-۳۰۰ میلیون



تومان به بخش خصوصی فروخته شده است."

توطئه علیه میهن وارد مرحله تازه ای می شود

دولت آمریکا به دنبال حرکت نیروهای عراقی در ۱۵ مهرماه به سوی جنوب و به طرف مرز کویت و استقرار دولشکر اضافی توسط عراق "در مواضعی که کویت را تهدید می کند"، نیروها و امکانات نظامی خویش در منطقه را به میزان قابل توجهی افزایش داد. به فاصله چند روز ۳۶ هزار سرباز آمریکایی در منطقه خلیج فارس مستقر شدند و با وجودی که نزارحمدون، سفیر عراق در سازمان ملل متحد روز دوشنبه ۱۸ مهرماه اعلام کرد "به نیروهای عراقی دستور داده شده است به طرف شمال عراق حرکت کنند"، ژنرال شالی کاشویلی، رئیس ستاد ارتش آمریکا، روز سه شنبه ۱۹ مهرماه گفت: "از هوشیاری و حالت آماده باش نیروهای آمریکایی کم نخواهد شد و علاوه بر ۳۶ هزار سربازی که هم اینک در منطقه استقرار یافته اند، هزاران سرباز و تفنگدار دریایی دیگر آماده هستند تا در صورت نیاز به منطقه حرکت کنند". مقامات آمریکایی همچنین اعلام کردند که "صدها فروند هواپیمای اضافی برای تقویت قدرت آتش سربازان آمریکایی به خلیج فارس اعزام می شود و مجموع تعداد هواپیماهای آمریکایی در منطقه خلیج فارس به حدود ۵۵۰ فروند افزایش خواهد یافت".

یک هفته قبل از حوادث مذکور، وزیران امور خارجه شش کشور عربی عضو "شورای همکاری خلیج فارس" که برای شرکت در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک حضور یافته بودند، روز جمعه ۸ مهرماه با وارن کریستوفر، وزیر امور خارجه آمریکا، دیدار کردند. وزیران امور خارجه شش کشور حاشیه جنوبی خلیج فارس طی بیانیه ای که در پایان این دیدار منتشر ساختند اعلام کردند که در دیدار خود با وزیر امور خارجه آمریکا از حمایت دولت آمریکا نسبت به تقاضای آن ها مبنی بر ارجاع اختلاف ایران و امارات متحده عربی به دادگاه بین المللی لاهه قهرمانی کردند.

از سوی دیگر، رادیو قاهره روز چهارشنبه ششم مهرماه گزارش داد که طلعت حمید،

سخنگوی رسمی "اتحادیه عرب" ضمن اظهار تأسف از آنچه "شدت گرفتن لحن تهران" توصیف کرد، گفت: "توسل به قوای نظامی برای رفع اختلافات میان جمهوری اسلامی و امارات متحده عربی باعث افزایش تشنج در این منطقه حساس جهان خواهد شد". وی از موضع امارات متحده عربی که خواستار ارجاع این اختلاف به دادگاه بین المللی لاهه شده بود، حمایت کرد و آن را با منشور سازمان ملل متحد هماهنگ دانست.

اقرار مقام امنیتی آلمان به نقش جمهوری اسلامی در ترور برلن

بر اساس بیانیه مطبوعاتی "کانون پناهندگان سیاسی ایران"، (برلن غربی)، کلاوس گرونه والد، مدیر سازمان اطلاعات و امنیت آلمان، در جلسه جمعه ۱۴ اکتبر دادگاه میکونوس به عنوان شاهد حضور یافت و مسایل مهمی را در رابطه با نقش جمهوری اسلامی و سفارتخانه آن در بن پیرامون ترور دکتر صادق شرفکندی و یاران او در برلن، بیان داشت. در بخشی از بیانیه مطبوعاتی مذکور آمده است:

"وی (کلاوس گرونه والد) تأیید کرد که: کاظم دارابی، عضو سازمان اطلاعات و امنیت ایران، عضو سپاه پاسداران، رابط و هماهنگ کننده مهمی در حزب الله می باشد. کاظم دارابی همچنین با دوتن از اعضا سفارتخانه ایران در بن، به نام های حسن جوادی و مرتضی غلامی که از طرف سازمان امنیت آلمان به عنوان ماموران امنیتی ایران شناخته شده بودند، روابط منظم داشته و از آن ها مأموریت های مشخصی در ارتباط با تعقیب و شناسایی اپوزیسیون ایران در آلمان به عهده گرفته است. وی همچنین اضافه کرد که بر طبق اطلاعات موثق آن ها، سفارت ایران در طرح ریزی و اجرای ترور میکونوس نقش مستقیم داشته و این مأموریت به احتمال زیاد از طرف سازمان اطلاعات و امنیت ایران به ریاست علی فلاحیان به آن ها داده شده است". (لازم به ذکر است که کاظم دارابی متهم اصلی پرونده ترور برلن می باشد).

گرونه والد، مصاحبه علی فلاحیان در ۳۰ اوت ۱۹۹۳ را که در آن رهبران حزب دموکرات به مرگ تهدید شده بودند یک «شاخص یا کیفیت تعیین کننده» ارزیابی کرد و گفت: "علاقه دولت، سازمان امنیت و شورای امنیت ملی ایران به این ترور به وضوح قابل ملاحظه است و طرح این ترورها در ارگانهای فوق تصویب شده است". همچنین نشریه هفتگی اسپینگل در شماره ۱۰ اکتبر خود، با استناد به گزارش هایی که توسط "دفتر فدرال حفاظت از قانون اساسی آلمان" و "سازمان اطلاعاتی فدرال آلمان" (از مهمترین ارگان های امنیتی دولت آلمان) تهیه شده است، نوشت: "مقامات دولت آلمان، سفارت جمهوری اسلامی در بن را مرکز عملیات جاسوسی و تروریستی رژیم در اروپا می دانند و معتقدند که شماری از سوءقصد هایی که به جان مخالفان رژیم صورت گرفته در این سفارتخانه سازماندهی شده است".

زیمبابوه

پرزیدنت روبرت موگابه در سخنرانی رسمی خود اعتقاد حزب حاکم زائو را به سوسیالیسم مورد تأکید مشخص قرار داد. او خطاب به ۸۰۰۰ نفر از نمایندگان حاضر در کنفرانس حزب گفت که در صدد است به پروسه کنترل اکثریت سیاه پوست بر اقتصاد کشور سرعت بخشد. او گفت وظیفه اینست که «به باز تعریف سوسیالیسم به شیوه ای که با فرهنگ ما، تجربه تاریخی ما، دوران در حال تغییر و آرزوها و خواسته های مردم ما در توافق باشد، ادامه دهیم».

اسلواکی

نخست وزیر پیشین، ولادیمیر مکیبر که ۷ ماه قبل در جریان یک رای عدم اعتماد پارلمان از قدرت کنار گذاشته شده بود، در اولین انتخابات اسلواکی که از زمان دوبارچه شدن چکسلواکی سابق در ژانویه ۱۹۹۳ صورت می گرفت، جنبش پوپولیستی خود را به پیروزی رسانید. طرفداران مکیبر ۳۵٪ آرا را بدست آوردند که این ۱۰٪ بیش از آن مقدار است که بنگاههای نظر سنجی برای آن ها پیش بینی می کردند. ائتلاف «انتخاب عمومی» به رهبری بخشی از کمونیست های سابق که اکنون در حزب چپ دموکراتیک متشکل هستند حدود ۱۰/۴۷ درصد آرا را بدست آورد که این تقریباً نصف آن چیزی است که بنگاه های نظر سنجی پیش بینی کرده بودند. بیش از ۷۵٪ صاحبان رای در انتخابات شرکت نمودند و بررسی های اولیه نشان می دهد که آرای کارگران صنعتی و کشاورزی اکثر با طرفداران مکیبر داده شده است. مکیبر در کارزار انتخاباتی با پلاتفرم مخالف با خصوصی کردن یکپارچه صنایع و مزارع اشتراکی و کئوپراتیو شرکت نموده بود. او در نظر دارد که برای کسب اکثریت نظر نمایندگان پارلمانی احزاب کوچک سوسیالیست و ناسیونالیست را جلب نماید.

سوئد

در انتخابات اخیر سوئد، حزب سوسیال دموکرات این کشور، پس از ۳ سال فعالیت در اپوزیسیون با کسب ۴۵/۴ درصد آرا، دوباره قدرت را از طریق یک دولت اقلیت بدست گرفت. سوسیال دموکرات ها توانستند ۷/۷ درصد بر آرای انتخابات قبلی خود بیفزایند و با تصاحب ۲۴ کرسی بیشتر، کلاً ۱۶۲ کرسی از ۳۴۹ کرسی پارلمان را بدست بیاورند. نتایج انتخابات شکست سختی برای ائتلاف راست بود در حالیکه حزب چپ با افزایش ۱/۷ درصد آرای قبلی خود با ۶/۲ درصد کل آرا در پارلمان جدید دارای ۲۲ نماینده است که نسبت به دوره قبل ۶ نماینده بیشتر را نشان می دهد. حزب محیط زیست با ۵٪ آرا و ۱۸ کرسی از دیگر نیروهای

آلمان

نتایج انتخابات پارلمانی که در ۲۵ مهرماه انجام گرفت حاکیست که ائتلاف احزاب محافظه کار و دموکرات آزاد (لیبرال ها) علی رغم از دست دادن ۲/۳ درصد آرای خود در مقایسه با انتخابات سال ۱۹۹۰ توانسته است با حفظ اکثریت بسیار ضعیف، ۲۹۴ کرسی پارلمانی، هنوز هم قدرت را در دست داشته باشد.

حزب سوسیال دموکرات که برای چهارمین بار از دست یافتن به قدرت دولتی باز مانده است، توانست ۲۵۲ کرسی پارلمانی را با ۳۶/۴ درصد آرا بدست آورد. ائتلاف سبزها با ۷/۳ درصد آرا و ۴۹ کرسی و حزب سوسیالیسم دموکراتیک آلمان با ۳۰ نماینده پارلمانی از دیگر نیروهای سیاسی آلمان هستند که در پارلمان حضور خواهند داشت. لیبرال های حزب دموکرات آزاد توانستند با ۶/۹ درصد آرا تعداد ۴۷ کرسی نمایندگی را به خود اختصاص دهند. از مشخصات بارز این انتخابات فردی بودن کارزار انتخاباتی راست بر روی هلموت کهل و معرفی او به عنوان معمار وحدت آلمان و مرد قدرتمند اروپا و فاتح بازارهای اروپای شرقی بود. بسیاری از تحلیل گران معتقدند که در نبود یک کارزار دقیق و ارضای کننده از سوی حزب سوسیال دموکرات آلمان، کهل توانست علی رغم نارضایتی توده ای از سیاست های راست دولت سابق کماکان کنترل قدرت را در دست داشته باشد.

از دیگر مشخصات این انتخابات کارزار شدید حزب راست و سوسیال دموکرات علیه کاندیداهای حزب سوسیالیسم دموکراتیک آلمان بود. در مقابل، حزب سوسیالیسم دموکراتیک آلمان با اتخاذ یک پلاتفرم وسیع که در یک سوی آن کاندیداهای کمونیست و در سوی دیگر آن حتی عناصر غیر حزبی با مواضع مبهم قرار داشتند، سعی در تثبیت موقعیت خود در پارلمان نمود. احزاب دست راستی افراطی (نئو فاشیست ها) در این انتخابات رای نیاوردند و در مجموع آرای چپ افزایش داشته است.

حزب سوسیالیسم دموکراتیک آلمان در مناطق شرق آلمان که قبلاً جمهوری دموکراتیک آلمان را تشکیل می داد هنوز از نفوذ قابل ملاحظه ای برخوردار می باشد. در انتخابات اخیر پارلمان های ایالتی در شرق آلمان حزب سوسیالیسم دموکراتیک توانست حدود ۳۰ درصد نسبت به سال ۱۹۹۰ آرای خود را افزایش دهد. در ساکسونی حزب سوسیالیسم دموکراتیک آلمان صاحب ۱۶/۷ درصد آرا گردید (در سال ۱۹۹۰ فقط ۱۰/۲ درصد آرا را داشت) و در استان براندنبورگ امسال توانست با ۱۹/۳ درصد به آرا سابق خود که ۱۳/۴ درصد بود بیفزاید.



موفق در انتخابات بود. در مقابل رای حزب دست راستی «دموکرات های نو» از ۷/۷ درصد به ۱/۷ درصد سقوط کرد و همه ۲۵ کرسی پارلمانی خود را از دست داد.

نروژ

مرکز اتحادیه های کارگران صنعتی (یقه آبی) - LO - نروژ در جریان یک کنگره ویژه به ۷۸۰/۰۰۰ عضو خود رهنمود داد که در رفراندومی که در برای عضویت نروژ در اتحادیه اروپا در آذر ماه برگزار می شود، رای منفی بدهند. این تصمیم تناقض با تصمیم حزب کارگر نروژ که قدرت را در دست دارد و با اکثریت کمی از عضویت در اتحادیه اروپا حمایت می کند، قرار می گیرد. LO ارتباط نزدیک و تنگاتنگی با حزب کارگر دارد. با در نظر گرفتن این مساله که ۸۰ درصد کارگران نروژ در اتحادیه های کارگری متشکل هستند می توان گفت که LO بخش بزرگی از رای دهندگان را نمایندگی می کند. بنگاه های نظر سنجی معتقدند که در حال حاضر ۵۰ درصد افکار عمومی علیه عضویت در اتحادیه اروپا هستند، ۲۸ درصد طرفدار و ۲۲ درصد هنوز تصمیمی نگرفته اند، که این خود رای منفی را تقویت می کند. نروژ در گذشته نیز یک بار با رای منفی خود در سال ۱۹۷۲ در جریان رفراندومی عضویت در بازار مشترک را رد نموده است.

دانمارک

بدنبال انتخابات پارلمانی که در ماه سپتامبر صورت گرفت حزب سوسیال دموکرات این کشور، یک دولت ائتلافی اقلیت را با دو حزب دموکرات های میانه و لیبرال رادیکال تشکیل داده است. حزب سوسیال دموکرات در یک دهن کجی به چپ از ائتلاف با حزب چپ سوسیالیست مردمی که ۱۳ کرسی دارد و نیز کمونیست های سابق که در زیر نام «لیست وحدت» دارای ۶ کرسی پارلمانی هستند خودداری نمود و از تشکیل یک دولت اکثریت سرباز زد. پارلمان دانمارک ۱۷۹ کرسی دارد.

مبارزه برای عدالت

۱۵ سال بعد از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ که رژیم دیکتاتوری شاه را سرنگون ساخت، کارگران هنوز محروم ترین و ستمدیده ترین اقشار جامعه ایران را تشکیل می دهند. شعار اصلی انقلاب «استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی»، میلیون ها کارگر ایرانی را برای تغییرات بنیادین جامعه به صفوف اول مبارزات سیاسی کشاند. تحولات انقلابی بهمن ۱۳۵۷ شرایط مناسبی را برای کارگران بوجود آورد که بار دیگر به تشکل خود بپردازند و خواستار تصویب یک قانون کار مدافع طبقه کارگر که وعده آن را رهبران انقلاب داده بودند، بشوند.

بالافاصله پس از انقلاب اتحادیه های کارگری در سطحی گسترده در سراسر کشور بوجود آمدند. در روز اول ماه مه سال ۱۳۵۸ بزرگترین گردهمایی روز کارگر، از زمان شکوفایی جنبش کارگری در دهه بیست و اوایل دهه سی قبل از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، در تهران برگزار شد. حدود یک میلیون نفر در راهپیمایی های اول ماه مه در پایتخت شرکت نمودند و از جمله ۲۵ اتحادیه کارگری تحت پرچم کمیته تدارک برگزاری جشن اول ماه مه، سندیکاهای مستقل و شوراهای کارگری کارخانجات تهران و حومه رژه رفته و روز جهانی کارگران را گرامی داشتند.

وعده هایی که زیر پا گذاشته شد

اما هر چند قانون اساسی جدید اتحادیه های کارگری را برسمیت شناخته بود، محافل ارتجاعی درون حاکمیت قراردادهای دسته جمعی و اتحادیه های کارگری مستقل را «مخالف مصالح و تعلیمات اسلام» تعبیر نمودند. مبارزه حاد و طولانی بر سر تصویب قانون کار چندین سال ادامه یافت. سرانجام این مبارزه، در میان ناپاوری کارگران و دیگر نیروهای مترقی، قانون کاری به تصویب رسید که از شکل گیری اتحادیه های کارگری مستقل ممانعت می کرد و از تشکیل «شوراهای اسلامی کار» حمایت می نمود. اهداف اصلی اساسنامه ای این شوراها به جای حفظ منافع کارگران، آن ها را تنها به «همکاری بین کارگر و کارفرما» فرا می خواند. در حال حاضر این شوراها که فقط در کارگاه های مشخص و معدودی امکان تشکیل آن ها وجود دارد، تنها شکل مجاز سازماندهی کارگری در کشور می باشد.

با وجود این و علی رغم تلاش های رژیم در کنترل جنبش کارگری در چارچوب تنگ شوراها، اسلامی کار، کارگران توانسته اند از این «شوراهای اسلامی کار» نیز به عنوان کانال های مجاز و قانونی مقابله با سیاست های کارگر ستیزانه کارفرمایان و رژیم استفاده نمایند. این وضعیت منجر به فشار فزاینده دولت در جهت محدود ساختن فعالیت های «شوراهای اسلامی» گردیده است که به خواسته های رژیم وقتی نمی گذارند.

اقتصاد ورشکسته

امروز، از طریق سیاست های آشکارا ضد کارگری دولت هاشمی رفسنجانی و نیز اتخاذ سیاست های اقتصادی نئولیبرالی تحمیل شده از سوی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، یک حمله گسترده و

همه جانبه علیه طبقه کارگر آغاز گردیده است. در برنامه اقتصادی پنجساله دوم، دولت لنو و حذف مواد مهمی از قانون کار فعلی از جمله مواد در برگیرنده ایجاد توازن بین حداقل حقوق و سطح هزینه زندگی و هم چنین تضمین حفاظت کارگران در مقابل اخراج های بی رویه، را مطرح کرده است. امروزه کارگران ایران در سخت ترین شرایط اقتصادی - اجتماعی بسر می برند. تورم، بیکاری، کمبود مسکن، بهداشت و امکانات آموزشی، گرسنگی، ستم جنسی (تبعیض علیه زنان)، اعتیاد به مواد مخدر، فحشا، بزهکاری، ارتشا و بطور خلاصه فساد و انحطاط کامل اخلاقی و فرهنگی سرتاسر جامعه را فرا گرفته است. سرکوب، نبود آزادی های سیاسی و مدنی، قدرت بیش از حد نیروهای امنیتی و ارگان های سرکوب دستگاه حاکمه و سیاست های فاجعه بار اقتصادی دولت یکبار دیگر ایران را در آستانه انفجار قرار داده است.

اخراج های وسیع، بسته شدن کارخانه ها، بیکاری فزاینده که از مشخصه های زندگی کارگران در ایران می باشند با تورم روز افزون مالی و نبود برنامه های اقتصادی منسجم و مردمی از سوی دولت درهم آمیخته است. در حالیکه در خلال ده سال گذشته قیمت ها حدود ۶۰۰ درصد بالا رفته است، حقوق کارگران فقط ۳۰۰ درصد افزایش داشته است و این خود فقر زدگی فزاینده کارگران را منعکس می نماید. در عین حال، سیاست رژیم در همخوانی با سیاست «تعدیل نیروی انسانی» که با نظر صندوق بین المللی پول و بانک جهانی تنظیم شده است، اخراج های دسته جمعی و کاهش دستمزد کارگران را بطور همزمان به پیش می برد.

سیاست های رژیم ضربات سختی را به ساختار اقتصادی کشور وارد نموده است. اتخاذ سیاست درهای باز برای انحصارات بین المللی و نیز تسهیل مقررات گمرکی و ترخیص واردات خارجی منجر به ورشکستگی و تعطیلی بسیاری از کارخانه ها شده است. این سیاست ها موجب رشد بی سابقه ای از بیکاری، فقر و گرسنگی در میان کارگران شده است. تعداد عظیم و افزایش یابنده ای از مردم ایران در حالی بیکار هستند که از بهره مندی هرگونه سیستم تأمین اجتماعی محروم می باشند. بنا برآمار غیر رسمی که در رسانه های دولتی منتشر شده، تعداد بیکاران از مرز ۴ میلیون نفر تجاوز نموده است. طبق آمار رسمی، حداقل ۴۵ درصد جمعیت ایران، یعنی حدود ۲۵ میلیون نفر در فقر مطلق بسر می برند. عواملی چون نبود یک سیستم تأمین اجتماعی ملی، روند فلج کننده سپردن موسسات ملی تأمین کننده بهداشت و آموزش، قیمت های سرسام آور و کوشش رژیم به حذف سرسید اقلام ضروری، جامعه را در معرض طغیان عظیم قرار داده است.

آغاز مقاومت ها و مبارزات توده ای

در ماه های اخیر اعتراض در حول محور تقاضا برای یک حداقل دستمزد قابل قبول و منطقی اشکال ادامه در ص ۷

اعتراض کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران به دبیرخانه فدراسیون جهانی سندیکاها

"در صورت شرکت جمهوری اسلامی ما در سیزدهمین کنگره شرکت نخواهیم کرد!"

در پی انتشار خبر تصمیم اتحادیه های کارگری حزب پمث سوریه (میزبانان ۱۲-مین کنگره جهانی اتحادیه های کارگری)، مبنی بر دعوت هیئتی از سوی "خانه کارگر" جمهوری اسلامی برای شرکت در این اجلاس، کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران با ارسال نامه اعتراضی به دبیرخانه فدراسیون در پراگ، خواهان جلوگیری از این عمل خودسرانه میزبانان ۱۲-مین کنگره شد.

در بخش هایی از این نامه که در آخرین لحظات چاپ روزنامه بدست ما رسید، از جمله آمده است: "ما به شدت از گزارش های رسیده پیرامون دعوت نمایندگان دولت ایران برای شرکت در ۱۲ - مین کنگره دمشق نگران هستیم. ما این عمل را در مغایرت کامل با مواضع و موازین فدراسیون جهانی سندیکاها، که وظیفه اش دفاع از حقوق کارگران است، می دانیم... "خانه کارگر" و "شورای اسلامی کار" که در جمهوری اسلامی فعالیت می کنند، چیزی جز سازمان های چتری رژیم به منظور کنترل جنبش کارگری در ایران نیستند... در طی سال های گذشته، فدراسیون سندیکاها همواره مواضع روشنی در مقابل سرکوب حقوق بشر و سرکوب حقوق کارگران در ایران اتخاذ کرده است، و در ۴۵-مین اجلاس عمومی در ورشو، اجلاس عمومی قطعنامه مشخصی را در این رابطه به تصویب رساند... کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران با اعتراض شدید به این عمل که در تضاد آشکار با عملکردها و مواضع فدراسیون جهانی قرار دارد، اعلام می کند که در صورت شرکت جمهوری اسلامی ما در سیزدهمین کنگره شرکت نخواهیم کرد. ما به همراه این نامه اعلامیه امضاء شده از سوی اکثریت قریب به اتفاق اعضای فدراسیون جهانی، در محکومیت رژیم جمهوری اسلامی و در همبستگی با کارگران ایرانی را برای شما ارسال می داریم و شما را به تجدید نظر در این باره فرا می خوانیم..."

دبیرخانه کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران
۱۰ اکتبر ۱۹۹۴

ما در شماره های بند خوانندگان را در جریان دقیق تر و اقدامات بعدی کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران قرار خواهیم داد.

مبارزه برای ...

علنی بخود گرفته است. به موجب قانون کار جمهوری اسلامی باید حداقل دستمزد کارگران هر ساله توسط «شورای عالی کار» تعیین گردد، ولی تاکنون رژیم با موضع گیری های دوپهلوی و بهانه تراشی از اجرای این تمهید ظفره رفته است، تا جاییکه در رسانه های خودش اعتراف می کند که امروز «شاهد شکاف عظیمی بین هزینه و درآمد کارگران هستیم». بطوریکه «این وضعیت موجب شده است که دستمزد کارگران... نتواند حداقل معیشت آن ها را نیز تامین کند» (نشریه «کار و کارگر»، ۲۵ دی ۱۳۷۲). اعتصابات و تظاهرات چند ماه اخیر نمایانگر رشد روزمندی کارگران است که بر پایه تجربه خود دریافته اند که آن ها چیزی ندارند که از دست بدهند.

ناگزیر، کارگران مجبور شده اند که علی رغم محدودیت های قانون کار به حرکت هایی دست بزنند. از جمله اقدامات اعتراضی اخیر، اعتصاب کارگران اتوبوس رانی شیراز در ماه فروردین بود که شهر را فلج کرد. همچنین اعتراضات کارگران صنایع نساجی شهر اصفهان علیه بسته شدن کارگاههای خود منجر به تظاهرات روزانه در مقابل درهای کارخانه ها شده است. در اواسط مرداد ماه امسال ۱۳۰۰۰ نفر کارگران مجتمع صنعتی - کشاورزی کارون دست به اعتصاب سه روزه زدند. مدیران دولتی برای شکستن این اعتصاب ابتدا جهت فریب کارگران خواسته های کارگران را پذیرفتند، و سپس نیروهای مسلح امنیتی را برای دستگیری رهبران و فعالان اعتصاب گسیل داشتند.

مقابله با سیاست های رژیم محدود به سندیکالیست های مبارزی که سازماندهی مخفیانه دارند، نیست. حتی سازمان های نسبتا مطیع و رام کارگری که توسط خود رژیم برپا شده اند نظیر «شورای اسلامی کار» و «خانه کارگر» ناچار شده اند که صدای اعتراض خود را نسبت به سیاست های کارگر ستیز رژیم بلند کنند. در واقع، با در نظر گرفتن حقیقت فقدان هرگونه کانال قانونی، کارگران کوشش کرده اند که از این نهادها به عنوان سکویی برای اعتراض و مطرح کردن خواسته های بحق خود استفاده کنند.

این استراتژی موفقیت های محدودی را به ارمغان آورده است: مثلا برنامه رژیم برای اصلاح قانون کار، قانون تامین اجتماعی و قانون شوراهای اسلامی کار با هدف دادن آزادی عمل بیشتر به کارفرمایان و صاحب کاران موفقیتی بدست نیاورد. در یک بیانیه «خانه کارگر» آمده است که «سیاست تعدیل اقتصادی کشور نباید بر مبنای نسخه های سازمان های بین المللی تنظیم گردد»، حتی حسین کمالی، وزیر کار و امور اجتماعی کشور، تغییرات و اصلاحات پیشنهادی دولت را «مناظر با منافع کارگران و تولید کنندگان جامعه» توصیف کرد. صدها نفر از نمایندگان کارگری در تجمع خود در «خانه کارگر» تهران اعتراض خود را به تغییر قانون کار اعلام کرده و خواستار آن شدند که دولت در تصمیم گیری نسبت به مسایل کارگری نظرات آنان را در نظر بگیرد.

این که کارگران قادر هستند ساختارهای «رسمی» را مورد استفاده قرار دهند از طرفی نشان دهنده احساس رشد یابنده در میان نیروی کار است

نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق به کمیته مرکزی حزب توده ایران

حدود يك ماه قبل از تحولات اخیر منطقه، کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق در نامه ای به تاریخ ۱۹ شهریورماه مفصلا اوضاع کشور را توضیح داده و نظرات خود را نسبت به رژیم حاکم در عراق و نیز تحریم بین المللی عراق از سوی غروب، به اطلاع کمیته مرکزی حزب توده ایران رساند. نظر به اهمیت نقطه نظرات مندرج در این نامه بخش هایی از آن را برای اطلاع خوانندگان «نامه مردم» و افکار عمومی کشورمان نقل می کنیم،

«رقای عزیز، بیش از ۴ سال از شکست سیاسی و نظامی رژیم عراق، متعاقب تجاوز و اشغال کشور کویت می گذرد... این تجاوز کشور و مردم ما را در معرض فاجعه ویران کننده بمباران های هوایی و جنگ های زمینی قرار داد... این جنگ دو سال پس از پایان جنگ هشت ساله ایران و عراق، نابودی کشور و تلفات سنگین آن بوقوع پیوست... از سال ۱۹۶۸ که حزب بعث قدرت را بدست گرفت به ویژه پس از اینکه صدام حسین در سال ۱۹۷۹ به ریاست جمهوری رسید، مردم ما از يك کارزار ترور و سرکوب که همه بخش های جمعیت را در بر گرفت، صدمات زیاد دیده اند... دو جنگ فاجعه آمیز به اقتصاد و زیربنای اقتصادی آن بالغ بر ۷۰۰ میلیارد دلار خسارت وارد آورد و تلفات عظیم انسانی و فجایع اجتماعی به بار آورده است... در جریان تحولات سالان اخیر و به ویژه پس از قیام قهرمانانه مردم ما در ماه مارس ۱۹۹۱ که با سمیت بی سابقه و به طریقه خونینی توسط نظامیان رژیم سرکوب گردید، رنج مردم ما در نتیجه سیاست های رژیم دیکتاتوری، ادامه کارزار ترور و بی توجهی محض به حیات شهروندان و حقوق اساسی آنان و نیز در نتیجه تحریم اقتصادی بین المللی که بیش از آنکه به دیکتاتور صدمه ای بزند به يك تنبیه برای مردم ما تبدیل شده است، تشدید گردیده است».

نامه رهبری حزب برادر، آنکه به بدبختی، گرسنگی، شیوع انواع بیماری ها، بیکاری فزاینده، قیمت های سرسام آور و تورم بی سابقه که منجر به سقوط ارزش دینار عراق تا حدود ۲۰۰۰ برابر نسبت به آغاز جنگ ایران و عراق شده است، اشاره می نماید، این مجموعه منجر به گسترش جنایات سازمان یافته و فروپاشی ارزش های اجتماعی در جامعه عراق شده است... بحران رژیم بیشتر می شود، انزوی آن تعمیق می گردد و رژیم عدم قابلیت خود را به ارائه راه حل برای مشکلات کشور به ثبوت می رساند».

نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق سپس به اقدامات جنایتکارانه رژیم علیه قربانیان سیاست های خود، کارزار نظامی رژیم علیه شیعیان ساکن ناحیه جنوب عراق و اقدامات خرابکارانه آن در کردستان و به ویژه تحریم دو جانبه علیه مردم کردستان که منجر به محرومیت های شدید اقتصادی اهالی این منطقه شده است، اشاره می نماید.

«تحریم اقتصادی که در سال ۱۹۹۰ به کشور ما تحمیل شد، هنوز ادامه دارد... افزایش مرگ و میر در میان کودکان و ساخوردگان بر اثر سوء تغذیه و کمبود دارو از اثرات این تحریم بوده است... حزب ماضوری می داند که برای رفع تحریم اقتصادی از مردم و تضمین تامین نیازهای آنان به غذا و دارو تلاش نماید. در عین حال، نباید به رژیم اجازه داد که از برداشتن تحریم اقتصادی بهره برد و ماشین سرکوب نظامی و ارگان های امنیتی اش را توسعه دهد و یا اینکه موقعیت خود را تقویت نماید... حزب ما همچنین بر این است که هرگونه تمایل به استقرار روابط اقتصادی یا عادی شدن روابط سیاسی باید با وادار ساختن رژیم عراق به اجرای قطعنامه ۶۸۸ شورای امنیت و نیز حمایت از کوشش هایی که برای برگزاری انتخابات عمومی کشور تحت نظارت و توسط سازمان ملل عمل خواهد شد، همراه باشد...».

در پایان نامه رهبری حزب برادر آمده است،
 «... حزب ما توسل به همه وسایل ممکن و بسیج افکار عمومی کشورتان را برای اصال فشار به رژیم عراق بسیار با اهمیت می شمرد تا این رژیم مجبور شود به اجرای قطعنامه ۶۸۸ و توصیه های نماینده ویژه سازمان ملل به قطعنامه های ۷۰۶ و ۷۱۲ که صدور مقداری نفت و استفاده از عواید آن برای تامین غذا و دارو برای مردم ما و تخفیف بخشیدن به محرومیت های اقتصادی آنها کردن نهد».
 همچنین حزب برادر با تاکید به ضرورت تحکیم روابط متقابل دو حزب آمادگی خود را برای همکاری و عمل مشترک اعلام می دارد.

رژیم با محدودتر شدن پایگاه اجتماعی اش ناچار است که به بعضی از خواسته های جنبش اعتراضی رشد یابنده تن در دهد. همه نشانه ها بر این دلالت دارند که پس از ۱۵ سال سرکوب و اختناق کارگران ایران هرگونه عقب نشینی مصلحت اندیشانه از سوی سران رژیم را ناکافی تلقی خواهند نمود. همستگی بین المللی عامل مهمی را در کسب پیروزی برای زحمتکشان ایران در مبارزه شان برای آینده ای بهتر تشکیل می دهد. باید بدون وقفه حکومت تهران را تحت فشار قرار داد تا به سرکوب قهر آمیز مردم زحمتکش پایان داده و به خواسته های آنان در ایجاد کار، امنیت، بهبود بخشیدن به وضعیت و ایجاد شرایط انسانی در محیط کار و حق سازماندهی و دفاع از حقوق صنفی کارگران گردن نهند.

مقاله کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران منتشره در شماره پاییز مجله «حقوق سندیکایی بین المللی» ارگان مرکز جهانی حقوق سندیکایی

که رژیم شکست ناپذیر نیست و حاکی از آنست که گردانندگان رژیم به این درک رسیده اند که تن دادن به برخی خواست های کارگران برای اجتناب از ناآرامی های صنعتی و کارگری ضروری است

رژیم محکوم به شکست است!

در رویارویی با این وضعیت رژیم جمهوری اسلامی ایران جهت استمرار و بقای خود مذبوحانه حرکاتی انجام می دهد. رژیم پاسخ اعتصابات و اقدامات اعتراضی را با سرکوب خشن می دهد. هزاران تن از سندیکالیست ها دستگیر و یا از کار اخراج گردیده اند. با همه این به موازات وخامت بی بازگشت اوضاع اقتصادی و همزمان با رویارویی کارگران با حقیقت بدتر و بدتر شدن زندگیشان، اقدامات اعتراضی اشکال رادیکال تری بخود می گیرند. اوضاع سیاسی ایران به حالت انفجاری رسیده است. حکام جمهوری اسلامی که ابتکار عمل را از دست داده اند با هر حرکت خود به انزوی بیشتری کشیده شده و عمیق تر در بحران فرو می روند.

چرا تحریم اقتصادی ...

کشور ثالث، ممنوع شد.

در آن زمان فقط ۳ سال از عمر انقلاب کوبا، که در ۱ ژانویه ۱۹۵۹ پیروز گشته بود، می گذشت. یک سال پیش از آن، یعنی در ۱۷ آوریل ۱۹۶۱، تجاوز نظامی آمریکا در «خلیج خوک ها» با شکست مواجه شده بود. «جنبش ۲۶ ژوئیه» به رهبری کاسترو با آنکه در آن مقطع، جهت گیری در راستای «راه رشد سوسیالیستی» را برای کوبا بیان می کرد، اما تصورات کاملاً خود ویژه ای در این باره داشت، که از بسیاری جهات با تصور کلاسیک ناشی از تئوری مارکسیستی-لنینیستی و احزاب کمونیست کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی، متفاوت بود.

در واقع، ۳ سال و نیم پس از آن، در ۱ اکتبر ۱۹۶۵ و پس از به اصطلاح «بحران موشک ها» میان اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا، که در آن نیروی بین المللی اتحاد شوروی در جهت پشتیبانی از رشد مستقل انقلاب کوبا و علیه اقدام های تجاوزگرانه آمریکا، تأثیری قاطع گذاشت، «حزب متحده انقلاب سوسیالیستی» تحت رهبری فیدل کاسترو، به «حزب کمونیست کوبا» تبدیل گشت. حزب کمونیست کوبا، نخستین بار ۴ سال پس از آن تاریخ (۱۹۶۹)، به عنوان ناظر در اجلاس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری در مسکو شرکت کرد. ابتدا، در سال ۱۹۷۲ و با توجه به واقعیت های سیاسی-اقتصادی پدید آمده بر اثر قطع بسیاری از روابط تجاری با آمریکای شمالی و آمریکای لاتین و جایگزین شدن آن ها توسط روابط اقتصادی با اتحاد شوروی و کشورهای اروپای شرقی بود، که کوبا به «کومکس»، جامعه اقتصادی کشورهای سوسیالیستی، پیوست.

با توجه به واقعیت های تاریخی، کاملاً آشکار می شود، که هدف ایالات متحده آمریکا از تحریم اقتصادی کمتر به «مبارزه علیه کمونیسم» ربط داشته است، بلکه بیش از آن سیاست دولتی کردن را نشانه گرفته بود، همچنان که در آن زمان یا پس از آن در بسیاری از کشورهای در حال رشد که در نتیجه پیروزی جنبش های رهاییبخش ضد استعماری و پس از کسب استقلال ملی، به ملی کردن ذخایر مادی و صنایع داخلی و کلیدی خود پرداختند، عمل گردید. هدف تحریم اقتصادی، نه دفاع از «آزادی» کوبایی ها، بلکه از دارایی ها و امتیازاتی بود، که استثمارگران خارجی و ثروتمندان داخلی تحت حمایت رژیم دیکتاتوری «باتیستا» به چنگ آورده بودند.

برگرفته از «عصر ما»، ارگان حزب کمونیست آلمان
۲۰ سپتامبر ۱۹۹۴

بیانیه مطبوعاتی حزب کمونیست عراق:

به تحریم اقتصادی علیه مردم پایان دهید

مداخله نظامی خارجی برای سرنگونی او را مردود شمرد.

بیانیه کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق متذکر می شود: «... طبق معمول رژیم از طریق یک ماجراجویی خارجی درصدد یافتن راه برون رفت از مشکل داخلی اش گردید. این بار دستاویز اعلام شده اش این بوده است که می خواهد برای رفع تحریم اقتصادی که در نتیجه ماجراجویی نظامی رژیم علیه کشور کویت اعمال شده بود، فشار بیآورد. پاسخ نظامی سریع و عظیم، بویژه از سوی ایالات متحده، نشاندهنده خطراتی است که متوجه عراق و مردم آن می باشد... این پاسخ همانگونه که انتظار می رفت صدام حسین و اطرافیانش را مجبور نمود که عقب بنشینند و عقب نشینی ارتش خود را اعلام کنند. دشوار است پیش بینی اینکه رژیم در اوج سرگشتگی مایوسانه خود چه گام های دیگری را ممکن است بردارد». بیانیه حزب برادر بدرستی خاطر نشان می سازد که ادامه تجمع نیروهای نظامی خارجی در کویت و در خلیج فارس فقط می تواند به زیان مردم عراق و کل منطقه باشد: «راه نجات منطقه و مردم عراق از شر حکومت صدام روشن و واضح است... این از طریق محاصره باند دیکتاتور و منزوی نمودن بین المللی آن در سطوح سیاسی-دیپلماتیک و نظامی و به موازات آن برداشتن تحریم اقتصادی از روی مردم حاصل می گردد». بیانیه کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق از جامعه بین المللی خواستار می شود که مانع تحمیل بیشتر صدمات بر مردم عراق شده و نگذارند که بار دیگر آن ها به خاطر جرم و جنایات رژیم مجازات شوند.

اقدام ماجراجویانه دولت بعثی حاکم بر عراق در استقرار نیروهای نظامی خود در مجاورت مرزهای مشترک این کشور با کویت و ورود هزاران سرباز آمریکایی و رزمناوها و جنگنده های پیمان نظامی ناتو به خلیج فارس، یکبار دیگر اوضاع این منطقه را شدیداً بحرانی نموده است. رژیم بعثی که در ماه های اخیر متوجه عواقب شدیداً مخرب و نابود کننده تحریم اقتصادی چهار ساله در شکل از هم پاشیدن ساخت جامعه عراق، شیوع بیماری ها، دزدی مواد غذایی از فرط استیصال و مشکلات پایه ای دیگر شده است برای منحرف ساختن اذهان مردم عراق از بحران داخلی متوسل به این لشگر کشی بی حاصل گردید. گرچه صدام حسین سریعاً عقب نشینی نیروهای خود را اعلام نمود و به مرحله اجرا گذارد و بی قید و شرط حاکمیت ملی و مرزهای کویت را به رسمیت شناخت، ولی ایالات متحده و انگلستان که گویا مترصد چنین اقدامی از سوی صدام بوده اند، به تقویت نیروهای نظامی خود در خلیج فارس ادامه می دهند و لحن تهدید آمیز خود را تغییر نداده اند. این وضعیت مطمئناً آینده سیاسی منطقه را به شدت بحرانی خواهد نمود. محافل ترقیخواه جهان و بویژه در منطقه بادیده شک و تردید به لشگر کشی امپریالیسم آمریکا و متحدانش می نگرند و که آن را نه حرکتی در دفاع از دموکراسی در کویت و یا حق حاکمیت کویت بدانند، بلکه در جهت کنترل منابع نفتی منطقه و تثبیت مواضع استراتژیک امپریالیسم قلمداد می کنند. ترقیخواهان جهان معتقدند که در کارزار اخیر برای منزوی کردن عراق و دیکتاتور بعثی که خود غرب بوجود آورنده، پرورش دهنده و مشوق آن بوده اند تمایلات دموکراتیک مردم عراق از نظر دور نگهداشته شده است. باید قدرت های ناتو را از اتخاذ موضع نظامی علیه عراق برحذر داشت چرا که مانند سه سال پیش این بار هم بازندگان واقعی مردم بی پناه و مظلوم کشور همسایه عراق خواهند بود.

حزب کمونیست عراق در بیانیه ای که در رابطه با ماجراجویی جدید نظامی رژیم بعثی منتشر کرد، اقدامات ماجراجویانه صدام حسین را در مرزهای کویت محکوم نمود ولی ایده

کمک مالی به
حزب توده ایران
یک وظیفه انقلابی است!

رفقای شمال آلمان..... ۴۹۵ مارك

NAMEH MARDOM: No:439
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

25 October 1994

Address : Postfach 100644 ,
10566 Berlin, Germany

شماره فاکس ما
۰۰-۴۹-۳۰-۳۲۴۱۶۲۷

نامه
مردم